

خطبه‌های نماز جمعه تهران / ۱۳۴۸/۱۱/۳۰

دو خصوصیت از خصوصیات استثنایی این انقلاب را مطرح می‌کنم که همین دو خصوصیت، بیشترین تاثیر را در وجهی این انقلاب در دنیا داشت؛ همچنان‌که پیشترین تاثیر را در پیروزی و ماندگاری انقلاب در کشور اسلامی داشت. همین دو خصوصیت بود که با گذشت چندین سال، هنوز موجب شده است که در گوشه و کنار عالم، به پیروی از این انقلاب و در پرتو آن، از سوی کسانی حداقل حرکات و تحولات و تلاشهایی انجام بگیرد.

یکی از این دو خصوصیت، عبارت بود از این که مبنای این انقلاب، ارزشهای دینی و اخلاقی و معنوی بود و خصوصیت دیگر این بود که انقلاب بر پایه‌ی اراده و خواست مردم در تشکیل و اداره‌ی حکومت باقی ماند. یعنی پس از پیروزی انقلاب، اهمیت نقش مردم از آنها سلب نشد و به عنوان یک عنصر برای انقلاب باقی ماند. این دو خصوصیت، در انقلاب ما وجود دارد.

انقلابهای دیگر، غالباً بر مبنای تفکرات مادی انجام گرفته است. ممکن است این تفکرات، افکار مادی مکتبی و مسلکی - یعنی تفکرات مارکسیستی و کمونیستی - باشد و یا این که اعتقادی هم به یک مکتب مادی نداشته باشند؛ بلکه بر مبنای مادینگری - مثل گروههای میهن‌دوست و میهن‌پرستی که در بعضی از کشورها اقداماتی را انجام میدهند و بینش دینی ندارند - عمل کنند.

همه‌ی انقلابها این‌گونه‌اند. حتی انقلابهایی که مقدمات آنها مذهبی یا اسلامی بوده است، در انتها از حالت اسلامی بودن خارج شدند؛ مثل بعضی از کشورها که در اول، انقلابیشان در مساجد شکل گرفت و نهضت از مساجد یا مدارس دینی شروع شد - هم در آسیا و هم در آفریقا - لیکن بعد که حرکات رشد پیدا کرد، چون در میان مذهبیون، قوت رهبری کافی وجود نداشته، دیگران آمدند و امور را قبضه کردند و خط را از حالت مذهبی، به سمت لامذهبی بردند.

تقریباً هیچ نقطه‌ای از دنیا را که در آن انقلاب شده باشد، سراغ ندارم که از این قاعده‌ی کلی خارج باشد؛ ولی در کشور ما این‌طور نشد. انقلاب از خانه‌ی مذهب - یعنی مسجد و مدرسه‌ی دینی - آغاز شد و جهتگیری مذهبی در انقلاب روزه‌روز افزایش پیدا کرد و نقش مذهب و ارزشهای معنوی، آنقدر قوی شد که کسانی را به میدان انقلاب کشاند که معمولاً در هیچ انقلابی، این‌گونه آدمها به میدان نمی‌آیند. حتی افراد مسن و بیخبر از مسایل سیاسی و آدمهایی را که در شهرها و روستاهای دورافتاده زندگی میکنند، به میدان انقلاب و مبارزه کشاند. علاوه‌ی بر این، روحیه‌ی مذهبی در این انقلاب کاری کرد که در دوران انقلاب، کمترین ضایعه به وجود آید. این، نکته‌ی مهمی است که اگر کسانی در انقلابهای مادی دنیا - مخصوصاً انقلاب اکثر کشور روسیه - مطالعه کرده باشند، معنای این مطلب را خیلی خوب می‌فهمند.

آن جاهایی که انقلابی بر اساس لامذهبی به وجود آمده، در هنگام شکوفایی انقلاب و اوج نهضت انقلابی، ضایعات فراوانی ایجاد شده است؛ چون مردمی که تحت هیچ قانون و قاعده و ضابطه‌ی نیستند و نظامی را از بین بردند و هنوز هم چیزی جایگزین نشده، قاعدتا در معاملات اجتماعی و برخوردها و انتقام‌گیری‌شان، خیلی بی‌محابا عمل میکنند. در آن انقلابی که اشاره شد، از این قبیل قضایا زیاد اتفاق افتاده است. کسانی که قضایای آن انقلاب و امثال آن را خوانده باشند، این نکته را تصدیق میکنند. انتقام‌کشیها، سواستفاده‌ها، آدمهای ناباب، مدتی بخشی از کشور را برای خودشان فرقی میکنند و چه‌قدر اموال را از بین می‌برند و چه‌قدر نفوس بیگناه را نابود میکنند و از این قبیل.

این مسایل، در انقلاب ما اتفاق نیفتاد. در این‌جا، وقتی مردم تهران دکانها را بستند و زندگی را تعطیل کردند و همه وارد میدان مبارزه شدند، از شهرها و روستاهای اطراف، برای مردم نان آوردند؛ یعنی همدردی کامل کردند. در این‌جا، مساله‌ی خشم مردم به خاطر یک قضیه‌ی مادی نبود؛ بلکه مساله‌ی دین و معنویت و خدا بود و این به سبب دیگری در زندگی مردم اثر می‌گذارد و به فعالیتهای آنها شکل میدهد. بعد هم وقتی انقلاب پیروز شد، حکومتی که به‌وجود آمد، بر اساس انقلاب، یک حکومت اسلامی بود؛ یعنی جمهوری اسلامی. این حکومت، به سمت چپ و راست حرکت نکرد؛ بلکه در خط مستقیم دین باقی ماند. وقتی جمهوری اسلامی هم تشکیل شد، با گذشت زمان راه دین را رها نکرد؛ بلکه درست در قانونگذاری و انتخاب مسوولان و مجریان و کارگزاران اصلی نظام - مثل نمایندگان مجلس و دیگران - مردم با معیارهای اسلامی وارد میدان شدند.

دین، خصوصیت انقلاب بود و ماند. این‌طور نبود که روزی دین خصوصیت انقلاب باشد و پس از چندی، این خصوصیت از انقلاب گرفته بشود و به چیز دیگری تبدیل بشود. این یک خصوصیت، در هیچ‌یک از انقلابها نبود و همین، یکی از مهمترین عوامل بود تا هر جای دنیا قلبی برای دین و اسلام میتپد، به جمهوری اسلامی - که برای اسلام حرکت میکند و به اعلا‌ی کلمه‌ی اسلام فکر میکند - علاقه‌مند باشد.

خصوصیت دوم، مردمی بودن است. انقلابهای دیگر - آنها که حقیقتاً انقلاب بودند - پس از پیروزی خود، اغلب نسبت به مردم بیاعتنا شدند. کودتاها و حرکات نظامی و امثال اینها را کاری نداریم. انقلابها، همیشه در همه جای دنیا به دست مردم به وجود آمده؛ اما بعد از آن که به پیروزی رسیده یا در آستانه‌ی پیروزی قرار گرفته، احزاب یا حزب جای انقلاب و مردم را گرفته است و مردم کنار رفته‌اند. مثل کشورهای کمونیستی و سوسیالیستی دنیا که نظامهای خیلی از آنها، با یک انقلاب به‌وجود آمده بود و مردم در آن نقش داشتند و به گروه انقلابی و مبارز مردم کمک کرده بودند؛ اما در همه‌ی این کشورها، به مجرد این‌که انقلاب به پیروزی نزدیک شد یا به پیروزی رسید، مردم دیگر هیچ‌کاره شدند و حزب همه‌کاره شد. حزب کمونیست یا هر اسم دیگری که برای حزب حاکم داشتند، هر کاری که خواست بکند، به نام مردم کرد، اما مردم در هیچ کار نقش نداشتند؛ همان مردمی که به خیابانها آمده بودند، یا به نحوی از انجا مبارزه کرده بودند، یا مثلاً از گروه مبارز پشتیبانی کرده بودند.

مردم، حتی این حق را نداشتند که یک نماینده به مجلس قانونگذاری بفرستند. در هیچ‌کدام از این کشورها که به اصطلاح کنگره‌های ملی دارند و همان مجالس قانونگذاری آنهاست، نمایندگان مردم حضور ندارند! اصلاً مردم هیچ نقشی نداشتند. این، چیز خیلی عجیبی است. اما همین چیز عجیب، همه جای دنیا بود.

بیانات در دیدار گردان‌های نمونه عاشورا و الزهراء بسیج / ۱۳۸۶/۰۹/۰۵

در همه‌ی عرصه‌های زندگی در کشور عزیز ما و در نظام جمهوری اسلامی، بسیج حضور دارد. یک بعدش، این بعد نظامی است و تحرکات نظامی و آموزشهای نظامی و تربیت نظامی و انضباط نظامی. مثل خود انقلاب مردمی است. هر عنصری، هر فردی، هر مجموعه‌ای که بتواند این خصوصیت انقلاب را با خود همراه داشته باشد، مثل انقلاب ماندگار و جاودانه است؛ مثل انقلاب موثر و فعال و اثرگذار در محیط حضور خود هست.

در میدان سیاست هم مردمی بودن، در میدان سازندگی هم همین‌طور، در میدان مدیریت کلان کشور هم مردمی بودن، عنصر مردمی بودن، انقلاب مردمی است، بسیج هم مردمی است.

بسیج مثل انقلاب سیراب از معارف اسلامی و سلوک دینی است. انقلاب ما تحت تاثیر جوسازی به اصطلاح انقلابیون ملحدی که در سراسر جهان ادعاهایشان گوش فلک را کر میکرد، قرار نگرفت. مظهر این تعبد و تمسک به دین، امام بزرگوار ما بود؛ یکپارچه متمسک به دین، در اصول و فروع، در معارف والای اسلامی و در عمل فردی؛ انقلاب این‌چنین متولد شد. ملت به این سمت حرکت کردند، این را خواستند، برای این جان دادند. بسیج هم همین‌چنین متولد شد. بسیج یک مجموعه‌ی دینی است.

بیانات در دیدار مردم کازرون / ۱۳۸۷/۰۲/۱۶

من این آیه‌های یاسی را که بعضی پی در پی تکرار میکنند، مطلقاً قبول ندارم و آنها را انکار نمی‌کنم. من با اطلاع از مسائل گوناگون کشور بزرگ و ملت عظیم‌الشانمان بالعیان میبینم که این ملت و جوانان این ملت با گذشت زمان و تقریباً سه دهه از آغاز پیروزی انقلاب، نسبت به میانی انقلاب عمیق‌تر، پخته‌تر و مجرب‌تر شده‌اند.

شور انقلابی مثل یک شعله‌ای است که بلند میشود، ممکن است این شعله فرو بنشیند؛ اما آن هیزمهای محکمی که با این شعله توانسته است آتش بگیرد و خود را به سمت مشتعل شدن و برافروخته شدن و گداخته شدن پیش ببرد، تأثیرشان از آن شعله بیشتر است. شعله فرو مینشیند، اما آتشفشان ماندگار - که برکت هم از آن آتشفشان ماندگار برای یک ملت به وجود می‌آید - روز به روز بیشتر میشود.

امروز دشمنان ملت ایران درمناظر در مقابل حرکت این ملت؛ نمیدانند با این ملت چه کنند. من به شما مردم عزیز کازرون و این منطقه و شما جمعیت صمیمی که در اینجا جمع شده‌اید عرض کنم: دشمن نظام جمهوری اسلامی، یعنی شبکه‌ی استکبار جهانی - نه فقط حکومت آمریکا یعنی آن مجموعه‌ی سردمداران قدرت اقتصادی ظالمانه‌ی امروز دنیا که دولتها را می‌آورند و می‌برند؛ در همین کشورهایی که به نام دموکراسی معروف شده‌اند، در خود آمریکا و در بعضی از کشورهای دیگر که با شبکه‌ی صهیونیستی پیوند استوار دارند، اینها هستند. دولتهایی که با این شبکه‌ی پرفرود و پر قدرت مستکبر جهانی در ارتباطند، منافع خودشان را در برابر نهضت اسلامی و بیداری اسلامی در خطر می‌بینند؛ این منافع نامشروع را در تهدید می‌بینند. دشمن، آنهاست. این دشمن از همه‌ی وسائل ممکن برای مواجهه‌ی با این ملت استفاده کرده است و در مانده است. شما ببینید در این سی سال چه کار می‌توانستند بکنند که نکرده‌اند. هر کاری نکردند، به خاطر این بوده است که در حساب زیان و سود، در حساب فایده و ضرر وقتی محاسبه کردند، دیده‌اند فایده ندارد، برایشان ضرر بیشتری دارد. اگر کاری نکردند، به خاطر این است که محاسبه کرده‌اند، دیده‌اند برایشان مضر است اگر این کار را انجام دهند. والا هر کاری که توانستند و برایشان مضر نبوده، انجام داده‌اند؛ محاصره‌ی اقتصادی کرده‌اند، حمله‌ی نظامی کرده‌اند، کودتای نظامی در داخل راه انداخته‌اند، در بین جمعیت کشور افراد ضعیف‌النفسی را گوشه و کنار پیدا کرده‌اند، با خودشان همراه کرده‌اند، تبلیغات با زبان آنها، با نفس آنها علیه انقلاب انجام داده‌اند، حتی با کمونیستها در این مملکت ساخته‌اند.

بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) / ۱۳۸۷/۰۲/۱۴

انقلاب اسلامی با همه‌ی انقلابهای دیگر متفاوت است؛ نه یک انقلاب صرفاً معنوی و فرهنگی است، نه یک انقلاب صرفاً اقتصادی است، نه یک انقلاب صرفاً سیاسی است؛ یک انقلاب همه‌جانبه است. مثل خود اسلام است. همانطوری که اسلام ابعاد معنوی و اخلاقی دارد، ابعاد الهی دارد، در عین حال ناظر به زندگی مردم است؛ بعد اقتصادی، بعد سیاسی، بعد اجتماعی در اسلام وجود دارد؛ انقلاب اسلامی هم دارای ابعاد مختلف بود و راز ماندگاری انقلاب اسلامی و روزه‌روز زنده‌تر شدن این انقلاب در سطح منطقه و جهان، همین ابعاد گوناگون آن است که با نیازهای بشر متوازن و همراه است.

بیانات در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) / ۱۳۸۷/۰۲/۱۴

دشمن آنوقتی که در میدان، در صحنه‌ی عمل نتواند کاری از پیش ببرد، دست به جنگ روانی می‌زند؛ برای مایوس کردن، برای ناامید کردن، برای خالی کردن دل ملتها. با جنگ روانی و با تهدید سعی میکنند ملتهای مقابلشان میدان را خالی کنند. این معنایش این است که در میدان عملی قدرت مقاومت در مقابل این ملت را نداشته‌اند. این جنگ روانی از اولین روزهای انقلاب تا امروز که سی سال می‌گذرد، همچنان ادامه دارد. گاهی میگفتند این انقلاب تا دو ماه دیگر بیشتر نمی‌ماند، گاهی میگفتند تا دو سال دیگر بیشتر نمی‌ماند. امروز سی سال است که این انقلاب با قدرت تمام به پیش رفته است و روزه‌روز ملت ایران را منسجم‌تر، پرامیتر، پراثرتر کرده است.

امروز جنگ سرد و جنگ روانی را با شکلهای مختلفی انجام میدهند. میخواهند به ملت ایران و به جوان ایرانی بیاورند که شما نمیتوانید بدون ارتباط و اتصال با قدرتهای سلطه‌گر به جانی برسید. این خطر بزرگی است که امام به آن توجه داده‌اند. آنها پیشرفتهای عظیم ملت را انکار میکنند. انقلاب در طول این سی سال از موانع بسیاری گذشته است - در تاریخ انقلابها که انسان نگاه میکند، این همه موانع در راه یک ملت و یک انقلاب بسیار بندرت دیده میشود و انقلابها معمولاً پشت این موانع میمانند و خود را تسلیم دشمن میکنند - و با این همه تهدید، با تحریم، با انواع و اقسام دشمنیها و حیلها و کارشکنیها توانسته است پیش برود، قلعه‌ها را فتح کند؛ همچنان چشم به قلعه‌های بالاتری دارد و همچنان با قدرت پیش میرود. میخواهند این انگیزه را از ملت ایران بگیرند. من به جوانان عزیزمان؛ جوانان دانشگاهی، جوانان حوزوی، جوانان فعال در صحنه‌ی صنعت یا کشاورزی یا علم یا هنر عرض میکنم: شما در نیمه‌ی راه هستید و آنچه از راه گذرانیده‌اید، با مشکلات بسیار بزرگی مواجه بوده است؛ اما توانسته‌اید. آن نیمه‌ی دیگر راه و آن بخش باقیمانده‌ی راه را - که دشمن میخواهد نگذارد شما آن نیمه‌ی اصلی، نیمه‌ی آخر را طی کنید و به قلعه‌ها برسید - با عزم راسخ میتوانید دنبال کنید. شما میتوانید؛ همچنانیکه ثابت کرده‌اید که میتوانید.

بیانات در دیدار روحانیون و طلاب تشیع و تسنن کردستان / ۱۳۸۸/۰۲/۲۲

این همه که شما میبینید از سوی دولتهای مرتجع، دولتهای وابسته، دولتهای اسیر و ذلیل در منطقه‌ی ما علیه انقلاب کار انجام میگیرد، به خاطر همین است؛ میترسند؛ گرایشها را میبینند؛ علاقه‌ی صمیمی و قلبی بخصوص جوانهایشان و ملتشان را به این انقلاب و به این نظام و به این پرچم برافراشته‌ی اسلام در اینجا میبینند. این را میبینند، به وحشت میافتند، بنا میکنند فعالیت کردن. منتها فعالیتها جوراوجور است. دیگر حالا بخواهیم نوع فعالیتها را که سلاطین و روسای ظالم مسلط بر کشورهای اسلامی دارند نسبت به انقلاب اسلامی انجام میدهند و بی‌انصافیهای که میکنند، بشماریم، یک فهرست طولانی است؛ یک قائمه‌ی طولانی است. از بسیاریها هم شماها شاید مطلعید. این به خاطر همین است؛ چون اثر دارد. اگر انقلاب اسلامی این تأثیر شگرف و عمیق و ماندگار و زیر و رو کننده را نداشت، این قدر با انقلاب اسلامی مبارزه نمیکردند؛ آن هم کسانی که اسمشان مسلمان است.

بیانات در دیدار روحانیون و طلاب تشیع و تسنن کردستان / ۱۳۸۸/۰۲/۲۲

اگر سالهای اول میتوانستند این نظام را دفن کنند، به ضرر اسلام تمام میشد. میگفتند ببینید اسلام نمیتواند. یک انقلابی راه انداخت، یک نظامی سر کار آورد، دو سال بیشتر نتوانست عمر کند؛ پنج سال بیشتر نتوانست عمر کند. اگر نظام اسلامی میماند اما پیشرفت نمیداشت، به ضرر اسلام بود. میگفتند بله، یک نظام اسلامی آمده، مردم را برده است به دوران ما قبل تاریخ؛ نه علمی، نه پیشرفتی، نه تکنولوژیایی. اما انقلاب اسلامی هم ماندگار شد. هم ریشه‌دار شد، هم پیشرفت علمی محیر العقول کرد، هم نسل جوان فرزانه و نخبه‌ای را تحویل داد. اینکه شما میشنوید که میگویند ایران در سلولهای بنیادی هشتمین کشور دنیاست، این حرف خیلی بزرگی است؛ ایرانی که از همه‌ی امکانات پیشرفت او را محروم کرده بودند. وقتی نظام اسلامی، این کشور را تحویل گرفت، زیرساختها مطلقاً مناسب با این پیشرفتهای علمی نبود. وقتی میگویند جمهوری اسلامی با فرستادن ماهواره به فضا - که چشم رقیب و دشمنان جمهوری اسلامی را خیره کرد - دهمین یا نهمین کشوری است که این کار را انجام میدهد، این خیلی حرف بزرگی است. ایران؟! کی کرد این کار؟ نظام اسلامی. کی علم را اینجور پیش برد؟ کی نهضت علمی را در کشور به وجود آورد؟ کی آن هوش ذاتی ایرانی را در خدمت ابتکار و نوآوری قرار داد؟ نظام اسلامی. پس نظام اسلامی هم ماندگاری خودش را نشان داد، هم توانائی خودش را برای پیشبرد یک ملت.

بیانات در دیدار جمعی از خانواده‌های شهیدا / ۱۳۸۸/۰۲/۰۲

ما در تاریخ، چیزهایی مربوط به صدر اسلام میخواندیم که اعماق آن را درک نمیکردیم؛ مثل داستان به نظر می‌آمد؛ اما امروز در ملت خود، در کنار خود، افرادی را میبینیم که از لحاظ فداکاری، از آن زنان و آن مردان که یاد آنان در تاریخ اسلام هزار و چهارصد سال باقی مانده، بالاترند. اینها صبرشان از آنها بیشتر است. آنها نفس گرم رسول خدا را میدیدند، پیغمبر را به چشم میدیدند، در رکاب او می‌جنگیدند، اینها با هزار و چهارصد سال فاصله، «و امانا به و لم نره صدقا و عدلا» - که در دعای سمات است - با این ایمان مستحکم اینجور ایستادند؛ این چیز کمی است؟ ملت ایران اینجور پیروز شد عزیزان من!
 این ایمانهای محکم، این اراده‌های پولادین، این ایثار و فداکاری بزرگ پدرها و مادرها و خانواده‌ی شهیدا، آنچه‌ای پایهای این بنا مستحکم را قوی و ماندگار کرد، که

هیچ طوفانی نتوانسته است و بعد از این هم به اذن الهی نخواهد توانست این بنیان رفیع را تکان بدهد؛ از جا بکند. پایه این بنا مستحکم جمهوری اسلامی، همین صبر شما، همین ایمان شما، همین استقامت شماست. این است که جوانهای امروز ما را با گذشت سالی سال از انقلاب این جور انقلابی بار می‌آورد که شما دارید نمونه‌ی جوانان مومن و انقلابی را می‌بینید. و اینها همه به برکت اسلام است، به برکت قرآن است.

بیانات در دیدار فرمانده و پرسنل نیروی هوایی ارتش / ۱۳۸۸/۱۱/۱۹

بقای دین اسلام، بقای راه خدا، ادامه‌ی پیمودن این راه به وسیله‌ی بندگان خدا، متکی شده است، مدد و نیرو گرفته است از کاری که حسین بن علی (علیه‌السلام) کرد و کاری که زینب کبری کرد. یعنی آن صبر عظیم، آن ایستادگی، آن تحمل مصائب و مشکلات موجب شد که امروز شما می‌بینید ارزشهای دینی در دنیا، ارزشهای رائج است. همه‌ی این ارزشهای انسانی که در مکاتب گوناگون، منطبق با وجدان بشری است، ارزشهایی است که از دین برخاسته است؛ اینها را دین تعلیم داده است. کار برای خدا خاصیتش این است.

از جنس همین کار، کار انقلاب بود؛ لذا انقلاب ماندگار شد، ثبات و اقتدار معنوی و حقیقی پیدا کرد، دوام پیدا کرد. این انقلاب، انقلابی بود برای خدا. آن روزی که این انقلاب آغاز شد، این نهضت به وجود آمد، مثل نهضت احزاب نبود، مثل حرکت سیاسی حزبهای دنیا نبود که به قصد کسب قدرت باشد؛ حرکتی بود در عین مظلومیت، برای اجرای احکام الهی، برای ایجاد جامعه‌ی اسلامی، برای استقرار عدالت در جامعه. آن کسانی که مجاهدت کردند تا انقلاب به پیروزی رسید، و آن کسانی که پای این انقلاب ایستادند و مجاهدت کردند تا این ثبات و دوام را پیدا کرد، نیت‌های خالصشان بود. شهدای شما، شهدای نیروی هوایی، از این قبیل بودند. شهدای نیروهای مسلح، همه از این قبیل هستند. آن کسانی که برای خدا کار کردند، برای خدا تلاش کردند، خداوند هم به کارشان برکت داد، چیزی که دشمن انقلاب آن را نمیتواند درک کند، همین نکته است. چیزی که دستگاههای استخبار و صهیونیسم نمیتوانند بفهمند، همین مسئله است. نمیتوانند بفهمند که استحکام این بنا به خاطر این است که برای خداست، بر پایه‌ی اخلاص بنا شده است و با مجاهدت پیش رفته است. لذا انقلاب و نظام اسلامی دلها را تسخیر میکند.

شما نگاه کنید ببینید امروز چند هزار رسانه، اعم از صوتی و تصویری و انواع و اقسام رسانه‌های گوناگون، با مدرنترین شیوه‌ها علیه این نظام دارند کار میکنند. صدها مغز و فکر در اتاقهای فکر نشسته‌اند؛ هر روزی یک حرفی، یک شعاری، یک فکری، یک ترفندی علیه این انقلاب دارند طراحی میکنند؛ اما نمیتوانند به انقلاب لطمه‌ای بزنند، نمیتوانند به نظام اسلامی صدمه‌ای وارد کنند. این برای چیست؟ استحکام این بنا به خاطر بنا شدن بر اصل ایمان به خداست. آن کسانی که در این راه حرکت کردند، کار خدائی کردند.

این نظام، شبیه نظامهای دیگر نیست. امروز هیچ نظامی در دنیا نیست که این همه علیه او کار تبلیغاتی بکنند، کار سیاسی بکنند، فشار اقتصادی وارد کنند، تحریم وارد کنند و او بتواند اینجور مستحکم بایستد؛ چنین چیزی در دنیا وجود ندارد. اما این نظام ایستاده است، بعد از این هم خواهد ایستاد؛ این را همه بدانند. نه آمریکا، نه صهیونیسم، نه مجموعه‌ی مستکبران و زورگویان عالم، نه با وسائل سیاسی، نه با وسائل اقتصادی، نه با تحریم، نه با تهمت، نه با تحریک ابادی خود در داخل، نخواهند توانست اندکی این انقلاب را بلرزاند.

بیانات در دیدار فرمانده و پرسنل نیروی هوایی ارتش / ۱۳۸۸/۱۱/۱۹

راز ماندگاری این انقلاب، اتکای به ایمانهاست؛ اتکای به خداست. لذا شما می‌بینید آن روزی که توده‌ی عظیم مردم در سرتاسر کشور احساس کنند که دشمنی‌ای متوجه انقلاب است، احساس کنند که دشمنی جدی‌ای وجود دارد، بدون فراخوان حرکت میکنند می‌آیند. روز نهم دی شما دیدید در این کشور چه اتفاقی افتاد و چه حادثه‌ای پیش آمد. دشمنان انقلاب که همیشه سعی میکنند راهپیمایهای میلیونی را بگویند چند هزار نفر آمده‌اند - تحقیر کنند، کوچک کنند - اعتراف کردند و گفتند در طول این بیست سال، هیچ حرکت مردمی‌ای به این عظمت در ایران اتفاق نیفتاده است؛ این را نوشتند و گفتند. آن کسانی که سعی در کتمان حقائق درباره‌ی جمهوری اسلامی دارند، این را گفتند. علت چیست؟ علت این است که مردم وقتی احساس میکنند دشمن در مقابل نظام اسلامی ایستاده است، می‌آیند توی میدان، این حرکت ایمانی است، این حرکت قلبی است؛ این چیزی است که انگیزه‌ی خدائی در آن وجود دارد؛ دست قدرت خداست، دست اراده‌ی الهی است؛ این چیزها دست من و امثال من نیست. دلها دست خداست. اراده‌ها مقهور اراده‌ی پروردگار است. وقتی حرکت خدائی شد، برای خدا شد، اخلاص در کار بود، خدای متعال اینجور دفاع میکند. لذا میفرماید: «ان الله يدافع عن الذين امنوا». (۶) این را دشمنان نظام اسلامی نمیفهمند، تا امروز هم نفهمیدند؛ لذا تهدید میکنند، حرف می‌زنند، روشهای گوناگون را به کار میگیرند، به خیال خودشان میگردند نقطه‌ی ضعف برای جمهوری اسلامی پیدا کنند؛ گاهی اسم حقوق بشر را می‌آورند، گاهی اسم دموکراسی را می‌آورند؛ ترفندهایی که امروز برای مردم دنیا حقیقتاً ترفندهای مسخره است. میگویند افکار عمومی؛ اما افکار عمومی اگر این حرفها را از آمریکا و صهیونیسم باور میکرد، اینجور در دنیا، در کشورهای مختلف، ملتهای مختلف، در مواقع گوناگون، نفرت خودشان را از این سران مستکبر نشان نمیدادند، که می‌بینید نشان میدهند. هر جا سفر میکنند، گروهی از مردم علیه‌شان شعار میدهند. پیداست که افکار عمومی دنیا فریب ترفندهای اینها را نخورده است.

بیانات در دیدار جمعی از مردم آذربایجان / ۱۳۸۸/۱۱/۲۸

جوانهای عزیز که امام را ندیدند، دوران دفاع هشت ساله را ندیدند، «باکری»‌ها را ندیدند، شخصیت‌های فداکار آن روز را که شهید شدند، ندیدند، اما با همان قدرت، با همان استقامت و با همان بصیرتی در صحنه حاضر میشوند که آن روز جوان تبریزی در بیست و نهم بهمن وارد میدان شد و در طول دوران جنگ تحمیلی هشت ساله، در جبهه‌های مختلف از خود دلآوری و فداکاری نشان داد. امروز جوانهای ما همین جورند. این معنایش چیست؟ چرا؟ قضیه چیست؟ قضیه را در حقانیت این سخن باید جستجو کرد: «سخن انقلاب، سخن حق». این، خاصیت حق است. «مثلاً کلمه طیبه کسب طیبه»؛ این یک درخت پاکیزه و سالم و خوش‌نهادی است که در زمین سالم رشد میکند. «اصلها ثابت و فرعها فی السماء»؛ ریشه‌اش محکم است، شاخ و برگش هم رفته بالا. «توتی اکلها کل حین باذن ربها»؛ (۳) میوه‌ی او هم همیشه است و در هر فصلی میوه‌ی خود را میدهد. یعنی یک بار مصرف نیست، مثل خیلی از این حرکاتی که در دنیا انجام میگیرد؛ به اسم انقلاب یا کودتا یا غیر ذلک حکومتها را تغییر میدهند، اما یک بار مصرفند؛ بعد از یک دوره‌ی کوتاهی، قضیه به شکل قبل از آن حرکت و نهضت یا گاهی بدتر برمیگردد. کلمه‌ی حق اینجور نیست؛ کلمه‌ی حق ماندگار است.

امروز حرکت انقلاب، هدفهای انقلاب، همان چیزهایی است که در روز اول ترسیم شد و امام بزرگوار و حکیم ما آنها را ترسیم کرد. این هدفها با فطرت مردم هماهنگ بود، لذا مردم آن را گرفتند؛ والا دل میلیونها مردم را به یک سمتی متوجه کردن، کار عادی‌ای نیست. وقتی کسی با فطرت سخن میگوید، از خدا حرف میزند، فطرتها به او متوجه میشود؛ «لو انفق ما فی الارض جمیعا ما الفت بین قلوبهم و لکن الله الف بینهم». (۴) دست قدرت خداست که دلها را به یک سمتی هدایت میکند؛ لذا نتیجه این میشود. در بیست و دوم بهمن، جمعیتی که در سی و یکمین سال ولادت انقلاب اسلامی در خیابانها حضور پیدا میکنند، از جمعیت سالهای قبل بیشتر است؛ نه فقط کم نشده است، کم‌رنگ نشده است، بلکه پررنگ‌تر شده است، قویتر شده است؛ برخلاف آن چیزی که در طبیعت عالم وجود دارد. شما یک سنگی را داخل آب بیندازید، یک موجی ایجاد میکند؛ اما هرچه میگذرد، لحظه لحظه این موج کوچکتر، کمتر و نامحسوس‌تر میشود، تا تمام میشود. گذشت زمان، امواج اجتماعی را خاموش میکند. این چه حقیقتی است که گذشت زمان آن را خاموش نمیکند، بلکه روزه‌روز برجسته‌تر میکند؛ مثل حادثه‌ی کرپلا. آن روز در آن بیابان خالی و بدون حضور دوستان و پر از دشمنان، حسین بن علی (علیه‌السلام) و یارانش به شهادت میرسند، خانواده‌اش اسیر میشوند و آنها را می‌برند و تمام. امروز بعد از گذشت قرن‌ها، همان حادثه‌ای که باید در طرف ده روز، پانزده روز اثری از آن نمی‌ماند و یاد از آن نمیشد، ببینید چقدر برجسته است؛ نه فقط در بین میلیونها شیعه در کشورهای مختلف، در بین مسلمانان، بلکه در بین غیر مسلمانان، نام حسین بن علی مثل خورشیدی میتابد؛ دلها را روشن میکند، راهنمایی میکند. انقلاب اینجوری است. این انقلاب هرچه زمان گذشته است، حقائق بیشتری را روشن کرده است.

خوب، دشمن جور دیگری حرف میزند. بعضیها هم با همان لغت دشمن حرف میزنند، با همان زبان دشمن حرف میزنند. آیا میفهمند یا نمیفهمند، آن با خداست؛ اما با زبان او حرف میزنند، سعی میکنند وانمود کنند که انقلاب از راه خود منحرف شده است؛ نه، اگر منحرف شده بود، این همه دل با نام انقلاب و یاد انقلاب به حرکت در نمیآمد؛ این همه ایمان و انگیزه به یاد این انقلاب بسیج نمیشد. در دنیا هم همین جور است. این انقلاب، امروز در کشورهای اسلامی هم آثرش در دل‌های مردم محسوس است. به چند تا دولت معاند نگاه نکنید؛ ملتها این انقلاب را گرمی میدارند، بزرگ میدارند، به آن احترام میکنند، حسرت آن را برای خودهاشان میخورند؛ این نشانه‌های حقانیت است، نشانه‌های بقا است؛ «توتی اکلها کل حین» است. خوب، من و شما همچنان که تا امروز به توفیق الهی وفادار مانده‌ایم، میتوانیم وفادار بمانیم. اگر چنانچه این وفاداری را حفظ کنیم، «فسیوتیه اجرا عظیم»؛ خدا اجر خواهد داد. این اجر، مخصوص دنیا نیست، مخصوص آخرت هم نیست؛ هم دنیا است، هم آخرت؛ در دنیا عزت است، اقتدار است، رسیدن به آرمان‌های والا است، در آخرت هم اجر الهی است، ثواب الهی است، که از همه چیز بالاتر است. اگر خدای نکرده سست‌عهدی کنیم، بدعهدی کنیم، در میانه‌ی راه هویهای نفس ما را به این طرف و آن طرف بکشاند، آن هم به ضرر خود ماست؛ انقلاب راه خودش را ادامه خواهد داد. آن کسانی که انقلاب را رها کردند، آن کسانی که طبق خواست دشمن در مقابل انقلاب ایستادند، ضرر کردند. خیال میکنند حالا بنشینند علیه انقلاب توطئه کنند، حرف بزنند، تحریک کنند، راه به جانی خواهند برد؛ نه، اشتباه است.

بیانات در دیدار دست‌اندرکاران ساخت نانشکن جماران / ۱۳۸۸/۱۱/۳۰

وقتی صدای واحدی از حنجره‌ی ده‌ها میلیون انسان با قدرت ادا میشود، این سخن قابل محو شدن نیست؛ امواج این سخن در دنیا باقی میماند و ماندگار میشود. شوخی است؟ ده‌ها میلیون انسان با هم فریاد نفرت از استکبار، نفرت از نظام سلطه‌ی جهانی و پافشاری بر عزت ملی و ایمان اسلامی را سرمی‌دهند؛ آن هم نه یک بار، نه دو بار؛ سی سال است که مردم دارند این فریاد را سر میدهند؛ این از بین رفتنی نیست. فریاد هماهنگ این همه حنجره و این همه دل، ماندنی است؛ اینها جزو قوانین حتمی طبیعت و تاریخ است؛ مثل قانون جاذبه است، مثل قوانین دیگر طبیعی است؛ لذا تخلف ندارد. این صدا ماندگار است. شرط این است که ما هر کدامی کار خودمان را درست انجام دهیم. من بارها این حدیث را از قول پیغمبر اکرم به مخاطبان گفته‌ام: «رحم الله امر عمل عملا فاتقنه»؛ رحمت خدا بر کسی که کار را انجام دهد و آن را محکم انجام دهد، درست انجام دهد، با اتقان انجام دهد.

بیانات در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی / ۱۳۹۰/۰۶/۲۶

ماجرای انقلاب کبیر اسلامی در ایران که در آن به تعبیر امام خمینی عظیم، خون بر شمشیر پیروز شد و تشکیل نظام ماندگار و مقتدر و شجاع و پیش‌رونده‌ی جمهوری اسلامی و تأثیر آن در بیداری اسلامی امروز، نیز خود داستان مفصل و در خور بحث و تحقیقی است که یقیناً فصل مشبعی در تحلیل و تاریخ‌نگاری وضعیت کنونی دنیای اسلام را به خود اختصاص خواهد داد.

بیانات در دیدار جمعی از پژوهشگران و مسئولان شرکتهای دانش‌بنیان / ۱۳۹۱/۰۵/۰۸

به هیچ وجه ما در بن‌بست نیستیم؛ به هیچ وجه با مشکلاتی که ما را از تصمیم به ادامه‌ی راه باز بدارد، مواجه نیستیم؛ چنین مشکلاتی وجود ندارد. بله، مشکلات هست؛ اما همه‌ی این مشکلات، کوچکتر از تصمیم و اراده و هدفها و آرمانهای این ملت و این کشور است. در بستر نرم و راحتی نمیخواهیم بخوابیم و تکیه بر بن‌بست و استراحت کنیم؛ نه، وسط میدانیم؛ اما این میدان، یک میدان دشوار و در عین حال شوق‌آفرین است؛ مثل میدان ورزش و مسابقات ورزشی. در میدانهای مسابقات ورزشی خستگی هست، دلهره هم هست، اما شوق‌آفرین است. هیچ ورزشکاری از حضور در میدان مسابقه‌ی ورزشی امتناع نمیکند؛ بلکه با شوق میروند آنجا. این کار زحمت هم دارد - فشار جسمی، فشار عصبی - در عین حال ورزشکاران میروند. وضعیت ما اینجوری است. عرصه، عرصه‌ی حرکت عمومی و ماندگار تاریخی ملت است. از لحاظ تاریخی، حرکت امروز ما یک حرکت ماندگار است. یعنی سرنوشت ایران را امروز ملت ما شاید برای قرن‌ها دارند رقم میزنند و معین میکنند. همیشه چنین موقعیتی پیش نمی‌آید؛ در همه‌ی مقاطع تاریخی، این وضعیت پیش نمی‌آید؛ در زمان ما خوشبختانه پیش آمده. این انقلاب، کشور را و ملت را در معرض یک حرکت موثر ماندگار طولانی و تاریخی قرار داده. خوب، ما باید هر کدام نقش خودمان را بشناسیم و آن را ایفا کنیم. یکی از بخشهای ما، اقتصاد است و خاصیت اقتصاد در یک چنین شرائطی، اقتصاد مقاومتی است؛ یعنی اقتصادی که همراه باشد با مقاومت در مقابل کارشکنی دشمن، خباث دشمن؛ دشمنانی که ما داریم. به نظر من یکی از بخشهای مهمی که میتواند این اقتصاد مقاومتی را پایدار کند، همین کار شناس است؛ همین شرکتهای دانش‌بنیان است؛ این یکی از بهترین مظاهر و یکی از موثرترین مولفه‌های اقتصاد مقاومتی است؛ این را باید دنبال کرد. آینده ان‌شاءالله آینده‌ی روشنی است. امیدواریم خداوند متعال به همه‌ی شماها توفیق بدهد؛ به مسئولین محترم و عزیز ما هم ان‌شاءالله توفیق بدهد که بتوانند نقش خودشان را ایفا کنند؛ شما هم نقش خودتان را ایفا کنید.

بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی / ۱۳۹۲/۰۶/۲۵

انقلاب یک امر مستمر است؛ یک امر دفعی نیست که بگوییم در تاریخ فلان، مثلا یک حادثه‌ای اتفاق افتاد، یک عده‌ای به خیابان آمدند، ده روز، بیست روز، دو ماه، شش ماه طول کشید و حکومت سرنگون شد؛ انقلاب این است؛ نه، این انقلاب نیست؛ این یک بخشی از انقلاب است. انقلاب یک حقیقت ماندگار و حقیقت دائمی است. انقلاب یعنی دگرگونی؛ دگرگونی‌های عمیق در ظرف شش ماه و یک سال و پنج سال به وجود نمی‌آید؛ علاوه بر اینکه اصلا دگرگونی و سیوروت - یعنی حالی به حالی شدن، تحول - اصلا حد بقیف ندارد؛ هیچ‌وقت تمام نمیشود؛ انقلاب یعنی این. انقلاب یک امر دائمی است. حرفهایی یک عده [می‌زنند] - منبع این حرفها، به قول خودشان، اتاق فکرهای خارجی است، اینجا هم این حرفها را بعضی‌ها در روزنامه‌ها و در مجله‌ها و در حرفهای گوناگون خودشان رله میکنند و همانها را تکرار میکنند و به زبان ایرانی آنها را بیان میکنند؛ [اما منبع] حرف از آنجا است - که بله، انقلاب تمام شد. حالا یک نفر بی‌عقلی پیدا میشود بصراحت میگوید انقلاب را باید به موزه سپرد، بعضی‌های دیگر هم هستند این‌قدر بی‌عقل نیستند، به این صراحت نمیگویند، در پوشش این حرف را میزنند؛ جوری حرف میزنند که معنایش این است که انقلاب تمام شد؛ تبدیل انقلاب به جمهوری اسلامی. اصلا قابل تبدیل نیست؛ جمهوری اسلامی باید مظهر انقلاب باشد. یعنی همان حالت تجدیدپذیری، همان حالت تحول دائمی، همان حالت باید در جمهوری اسلامی وجود داشته باشد والا جمهوری اسلامی نیست؛ حکومت اسلامی نیست؛ انقلاب یک امر مستمر است.

خب، انقلاب چه کار میکند؟ کاری که انقلاب در آغاز انجام میدهد، ترسیم آرمانها است؛ آرمانها را ترسیم میکند. البته آرمانهای عالی، تغییرناپذیرند؛ وسایل تغییرپذیر است، تحولات روزمره تغییرپذیر است اما آن اصول که همان آرمانهای اساسی است، تغییرناپذیر است؛ یعنی از اول خلقت بشر تا امروز، عدالت یک آرمان است؛ هیچ‌وقت نیست که عدالت از آرمان بودن بیفتد؛ آزادی انسان یک آرمان است - آرمانها یعنی این‌جور چیزها - آرمانها را انقلاب تصویر میکند، ترسیم میکند، بعد آن‌وقت به سمت این آرمانها حرکت میکند. حالا آرمان را ما اگر بخواهیم در یک کلمه بگوییم و یک تعبیر قرآنی برایش بیاوریم، «حیات طیبه» است که؛ فلنحییه حیوه طیبه؛ (۶) استجیبا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم؛ (۷) شما را زنده کند. دعوت پیغمبر و همه‌ی پیغمبران به حیات است؛ چه جور حیاتی؟ طبعاً حیات طیبه.

بیانات در دیدار مردم قم / ۱۳۹۲/۱۰/۱۹

این انقلاب در مقایسه‌ی با حوادث دیگر؛ اگر مقایسه بکنیم با حوادث دیگری که در همین کشور اتفاق افتاده است - حوادث دنیا هم همین‌جور - [یک حادثه‌ی بی‌نظیر

است]. بنده حالا بخوایم وارد بشوم و مقایسه کنم با بعضی از انقلاب‌های بزرگ، طول خواهد کشید؛ یک مقدار هم قبلها یک وقت‌هایی عرض کردیم اما با حوادث داخل کشور خودمان؛ مثلا فرض بفرمایید انقلاب را مقایسه کنید با نهضت ملی شدن صنعت نفت که یک حادثه‌ی بزرگی بود در کشور؛ آنجا هم مردم وارد میدان شدند، آنجا هم مردم بودند، که به آن می‌گویند نهضت ملی، معروف شده است در زبان سیاسیون به‌عنوان نهضت ملی. درخواست نهضت ملی چه بود؟ یک درخواست حداقلی بود؛ دنبال استقلال اقتصادی و استقلال سیاسی و استقلال همه‌جانبه نبود؛ نفت ما در دست انگلیس‌ها بود، در نهضت ملی شدن صنعت نفت، درخواست این بود که نفت را از دست انگلیسی‌ها بگیریم و دست خودمان باشد. خب، این چیز خیلی زیادی نبود، البته مهم بود اما استقلال کامل نبود. در این نهضت هم مردم به میدان آمدند، حوادثی هم اتفاق افتاد اما نهضت دو سه سال بیشتر طول نکشید؛ دو سه سال بیشتر طول نکشید! دشمن توانست این نهضت را سرکوب کند، ادامه پیدا نکند. بعد که نهضت سرکوب شد، وضع نفت بدتر از قبل شد؛ یعنی کنسرسیومی که بعد از قضایای بیست و هشتم مرداد در کشور به وجود آوردند، خیلی وضعش بدتر بود از آنچه قبلا وجود داشت؛ یعنی اگر قبلا دست انگلیس بود، حالا دست انگلیس و آمریکا [بود]؛ وضع نفت چهارمیخه در اختیار دشمنان بود؛ تا آخر هم همین‌جور بود؛ تا قبل از انقلاب هم همین‌جور بود. خب ببینید، بحث انقلاب اسلامی بحث نفت نبود، بحث استقلال کامل بود؛ استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی، استقلال فرهنگی؛ با این شعارها آمد به میدان؛ قابل مقایسه‌ی با نهضت ملی نیست اما آن نهضت طاقت نیاورد؛ این نهضت، این انقلاب هم موفق شد، هم باقی ماند، ماندگار شد.

مقایسه‌ی با نهضت مشروطیت؛ انقلاب را مقایسه کنیم با مسئله‌ی مشروطیت. خب، مشروطیت هم خیلی حادثه‌ی مهمی در این کشور بود اما مطالبه‌ی نهضت مشروطیت و انقلاب مشروطیت چه بود؟ محدودکردن حکومت مطلقه‌ی مستبدانه‌ی پادشاهان؛ پادشاه بماند، همان خرده‌فرمایش‌ها را داشته باشد، منتها آن قدرت مطلقه‌ی که در اختیار شاه بود محدود بشود؛ [مثلا] یک مجلسی تشکیل بشود، این درخواست مشروطیت بود. خیلی از مردم هم آمدند به میدان -افراد گوناگون آمدند- کشته دادند، شهید دادند اما دشمن بر آن نهضت مسلط شد و آن را در مشت گرفت، در اختیار گرفت و در واقع آن را نابود کرد. بعد از نابودکردن نهضت مشروطیت، دیکتاتوری مضاعف شد؛ یعنی پانزده سال بعد از امضای مشروطیت، رضاخان سر کار آمد؛ رضاخان که دیکتاتوری‌اش قابل مقایسه‌ی با هیچ‌کدام از دیکتاتورهای قبلی نبود؛ ظالم، هتاک، همه‌جوره دشمن؛ و نوکر اجنبی. دیگران حالا اگر مستبد بودند، این‌جور تسلیم اجنبی نبودند؛ به دستور اجنبی آمد و به دستور اجنبی هم رفت؛ انگلیس‌ها همه‌کاره بودند. یک‌وقتی آمد یک‌خرده‌ای سروگوشی بچنابند، زدند تو سرش تمام شد و رفت. مشروطیت با وجود درخواست حداقلی، قابل دوام نبود، نماند، از بین رفت.

انقلاب اسلامی چه؟ انقلاب اسلامی نگفت حکومت سلاطین را محدود کنیم؛ گفت اصلا سلطنت یعنی چه؟ معنای سلطنت چیست؟ یک ملتی دارند زندگی میکنند، مملکت مال آنها است، چرا باید یک‌نفری بیاید مسلط بر مردم باشد و فرمان او بر زندگی مردم جاری باشد؛ اصلا انقلاب اصل سلطنت را، اصل حکومت مطلقه را آمد از بین برد. اما انقلاب ماند

بیانات در دیدار مردم قم / ۱۳۹۴/۱۰/۱۹

این ماندگاری‌ها تحلیل دارد که چرا ماند؟ چرا با اینکه در نهضت ملی هم مردم حضور داشتند -البته نه مثل انقلاب، تا حدود زیادی مردم بودند- با آن درخواست حداقلی، قادر نشد بماند اما انقلاب اسلامی با آن درخواست حداکثری استقلال ماند؛ چرا نهضت مشروطیت با آن درخواست حداقلی محدود شدن قدرت مطلقه نتوانست و طاقت نیاورد بماند اما انقلاب اسلامی با این درخواست حداکثری و مطالبه‌ی حداکثری که ریشه‌کنی سلطنت و رژیم پادشاهی در کشور بود آمد، موفق شد و ماند؟

اینجا تحلیل لازم دارد. تحلیل را شما جوانها بروید بکنید، برای من روشن است؛ جوانها بروند تحلیل کنند، بنشینند، فکر کنند و ببینند که اینجا چه چیزی نقش‌آفرینی کرد؟ کدام عنصر تاثیر گذاشت که آن نهضتها نتواند باقی بماند و نتواند به نتایج نهایی خودش برسد اما این انقلاب توانست قدرتمندانه بایستد؟ علت چه بود؟ اینجا را بنشینند جوانهای ما تحلیل کنند. اگر ما بتوانیم تحلیل درستی از این حوادث پیدا کنیم، آنوقت دیگر این بذر ترس و رعب و ناامیدی که بعضی در دل مردم می‌باشند بکلی خواهد پوسید و از بین خواهد رفت؛ [اگر] بتوانیم درست بفهمیم، راه آینده‌ی این کشور کاملا روشن خواهد شد. باقی ماندن، ماندگاری، طاقت آوردن برای یک حادثه‌ی اجتماعی، خیلی عنصر مهمی است. خب بله حوادثی در دنیا رخ میدهد که گاهی خیلی هم بزرگ [است] اما زائش میکنند، دشمن بر آن تسلط پیدا میکند و آن را از بین میبرد؛ اینکه یک انقلاب بتواند بماند خیلی مهم است. البته اینجا بحثهای طولانی لازم دارد و جوانها باید یک قدری بروند مطالعه کنند. فرض کنید مثلا انقلاب معروف فرانسه -که معروف به انقلاب کبیر فرانسه است- خب واقعا انقلاب بود، یک انقلاب کامل و همه‌جانبه و با حضور مردم؛ با آن حوادث تلخ که اتفاق افتاد، انقلاب بالاخره به پیروزی رسید اما بقای این انقلاب به پانزده سال هم نرسید. انقلاب ضد سلطنت بود؛ کمتر از پانزده سال بعد از شروع انقلاب، سلطنت ناپلئون شروع شد؛ یک سلطنت مطلقه‌ی کامل؛ بعد هم بکلی انقلاب فراموش شد! همان کسانی که رفته بودند، خانواده‌ای که با انقلاب برافزاده بودند، همانها برگشتند، سلطنت کردند، سالهای متممادی حکومت کردند؛ بعد باز مردم یک سر و صدای دیگری کردند، دوباره همین‌جور؛ در حدود صد سال این کشمکش در فرانسه وجود داشت تا بالاخره آن جمهوری‌ی که انقلاب به دنبال آن بود، بعد از حدود نود سال یا صد سال برقرار شد؛ نتوانستند نگه دارند انقلاب را؛ انقلاب شوروی هم یک جور دیگر، آن هم همین‌جور. اینکه یک انقلاب بتواند بماند، بتواند خودش را نگه دارد، بتواند با دشمنان خودش پنجه دربیفکند، بتواند بر آنها غالب بشود، خیلی مسئله‌ی مهمی است؛ انقلاب ما تنها انقلابی است که این کار را توانسته است بکند، بعد از این هم باید بتواند بکند.

بیانات در دیدار مردم قم / ۱۳۹۴/۱۰/۱۹

من به شما عرض بکنم، الان همه‌ی مراکز فکر و اندیشه‌ی سیاسی در دنیا استنکار -چه در آمریکا، چه در بعضی از کشورهای دیگر استنکاری- متوجه این است که چه‌کار کنند که بتوانند این درخت را، درخت تناور را که یک روزی یک نهال باریکی بود و نتوانستند آن را از بین ببرند و حالا درخت تناوری شده، ریشه‌کن کنند، سرنگون کنند؛ همه‌ی همت این است. توجه کنید تا مطلب در ذهنها بنشیند. خیرهایی که ما داریم، تحلیل‌هایی که برای ما می‌آید از طرف آنها‌یی که تحلیل‌های آنها را به ما منعکس میکنند، دائم در فکر این هستند که چه‌کار کنند این انقلاب را از بین ببرند؛ حالا این انقلاب هم به توفیق الهی، به همت شما مردم همین‌طور سرش را انداخته پایین و دارد به پیش میرود؛ روزبه‌روز قوی‌تر، روزبه‌روز پیشرفته‌تر.

همه‌ی همت آنان این است که این ماندگاری را یک‌جوری به هم بزنند؛ همه‌ی همت من و شما باید این باشد که این ماندگاری را افزایش بدهیم. از اول انقلاب دائم در فکر این بودند که این را از بین ببرند؛ جنگ تحمیلی به‌خاطر همین بود؛ جنگهای قومیتها در اطراف کشور به‌خاطر همین بود؛ محاصره‌ی اقتصادی به‌خاطر همین بود؛ تحریمهای شدیدی که در این سالهای اخیر برقرار کردند برای همین است؛ تشکیل گروه‌های تکفیری در شرق و در غرب کشور ما همه برای همین است که این انقلاب را از بین ببرند، این ماندگاری را که برای اینها بسیار به‌تأور و سخت و درآورد است، از بین ببرند؛ همه‌ی همتشان این است. هر روز هم یک ابتکاری درست میکنند؛ این کارهایی که در سال ۸۸ کردند، از ابتکارات جدید بود که ابتکار آمریکایی‌ها بود.

بیانات در دیدار مردم قم / ۱۳۹۴/۱۰/۱۹

این ماندگاری مسئله‌ی مهمی است؛ این ماندگاری را بایستی به‌عنوان یک هدف در نظر داشت و در این فکر بود که چگونه تامین خواهد شد. نگاه کنید ببینید عناصر ماندگاری انقلاب چیست، آن عناصر را باید تک‌تک ما تامین کنیم، همه‌ی ما باید تامین کنیم. البته این را عرض کردم که تحلیل آن به‌عهده‌ی شما جوانها است. این دوره‌ی بعد از قضایای مذاکرات هسته‌ای را خود آمریکایی‌ها اسم‌گذاری کرده‌اند: «دوره‌ی سخت‌گیری بر ایران»، سخت‌گیری باید بکنیم؛ خیلی خب، حالا سخت‌گیری که بیشتر از سخت‌گیری‌های گذشته نیست. جوانان ایران، ملت ایران، مسئولان کشور بایستی آگاهانه، هشیارانه، امیدوارانه، با شهامت، با توکل به خدای متعال، با تکیه‌ی بر نقاط قوت فراوانی که دارد، در مقابل دشمنی دشمنان بایستند؛ این خیلی مهم است. هر لحظه‌ای وظیفه‌ای هست، آن وظیفه را باید

شناخت و بایستی انجام داد.

بیانات در دیدار مردم قم / ۱۳۹۴/۱۰/۱۹

مسئله‌های شاخصه‌های انقلابیگری هم خیلی مهم است؛ یعنی واقعا بدانیم شاخصها چیست، شاخصهای انقلابیگری را درست پیدا کنیم، در ذهن خودمان مشخص کنیم، از کسانی که مطلع‌تر از ما هستند بپرسیم. اگر این کارها انجام بگیرد، این ماندگاری انقلاب، بدون تردید، خواهد بود.

بیانات در دیدار مردم قم / ۱۳۹۴/۱۰/۱۹

دو خصوصیت وجود دارد در عمل به این وظایف؛ یک خصوصیت همین است که انقلاب ماندگار خواهد شد. بدیهی است که ما، هم ریزش داریم، هم رویش داریم؛ بارها بنده گفته‌ام این را. کسانی هستند که یک روز انقلابی بودند، بعد فردا به خاطر یک عارضه‌ای، یا بحق یا بناحق، از انقلاب روبرمیگردانند. بعضی‌ها هستند که یک کار خلاف توقعشان انجام میگیرد - فرض کنید یک ظلمی در یک جایی بهشان میشود - حق با آنها است اما این موجب میشود که از انقلاب روبرگردانند؛ این کار ناحق است. بعضی‌ها هم به خاطر مسائل شخصی، مسائل خانوادگی و مسائل گوناگون، از انقلاب روبرمیگردانند. این میشود ریزش؛ اینها ریزشهای انقلاب است. همه انقلابها ریزش دارند، همه نهضت‌های اجتماعی ریزش دارند اما در کنار این ریزشها رویش [هم] هست. من اطلاعات کم نیست، من از خیلی جاها مطلعم؛ بنده وقتی نگاه میکنم، رویشها را بیش از ریزشها میبینم؛ این همه جوان مومن، این همه تحصیل‌کرده مومن، این همه افراد تحلیلگر مومن، این همه افراد کارآمد در مسائل فنی و در مسائل علمی، همه مومن؛ اینها رویشهای انقلاب است. یک روزی در این کشور، مشکل ما [این] بود که همه کسانی که میتوانستند در دانشگاه‌ها ما درس بدهند، به پنج هزار نفر نمیرسیدند. اول انقلاب این‌جوری بودیم؛ یک عده‌ای رفته بودند، یک عده‌ای نمی‌آمدند، یک عده‌ای صلاحیت نداشتند. [اما] امروز ما ده‌ها هزار نفر استاد مومن در عرصه‌های دانشگاهی داریم؛ استادان مومن، آنهایی که واقعا به انقلاب پایبندند و معتقدند از بن دندان؛ این چیز کمی نیست، چیز کوچکی نیست، اینها را انقلاب تربیت کرده است. این همه جوان مومن نویسنده، هنرمند، عالم، فناور، مبلغ، سخنور؛ در عرصه‌های گوناگون، در مسائل داخلی در مسائل خارجی. اینها رویشهای انقلابند، رویشهای سرسبز و آماده؛ این خیلی بارزتر است. بنابراین، اگر ما به وظایفمان در زمینه انقلاب عمل کنیم، معنای این، ماندگاری افزایش این رویشها و انبوه شدن این رویشها است.

بیانات در دیدار مردم قم / ۱۳۹۴/۱۰/۱۹

انشاءالله که خدای متعال همه‌ی شماها را موفق بدارد؛ همه‌ی ما را در این راه ثابت‌قدم بدارد؛ ما را جزو آن سربازانی قرار بدهد که برای ماندگاری انقلاب تلاش میکنیم و از بذل موجودی خودمان دریغ نداریم. پروردگارا! به محمد و آل محمد الطاف و تفضلات خودت را بر این ملت نازل کن؛ روح مطهر امام را از ما شاد کن؛ قلب مقدس ولی عصر (ارواحناfade) را از ما شاد بفرما.

بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش / ۱۳۹۴/۱۱/۱۹

ما دو عید در پیش داریم؛ یک عید انقلاب که روز بیست‌ودوم بهمن است و سه روز دیگر است؛ یک عید انتخاب؛ انتخابات هم در واقع عید است. این دو عید را باید گرامی بداریم. این دو عید دو عید پرمعنا و پرمضمون است برای ما. در مورد عید اول که عید انقلاب است - روز بیست‌ودوم بهمن - حقیقتا ملت ما در طول این ۳۷ سال، این روز را به معنای یک عید واقعی گرامی داشته است. عید یعنی آن مناسبتی که هر سال تکرار میشود؛ ریشه‌ی «عید» از «عود» است؛ یعنی هر سال یک روزی را به یک مناسبتی تکرار میکنیم، تکرار شادمانه؛ این تکرار شادمانه نسبت به روز بیست‌ودوم بهمن که روز پیروزی انقلاب تعیین شده، هر سال با قوت و قدرت ادامه داشته. این در ایران و در همه‌ی جهان بی‌نظیر است؛ یعنی کشورهایی داشته‌ایم که انقلاب کرده‌اند [اما] سالگرد انقلاب با حضور مردم و با این حجم عظیم در سرتاسر کشور در هیچ جای دنیا نیست. این چیزی که عرض میکنم، یک واقعیتی است، این یک اطلاع است؛ حدس و تحلیل نیست؛ واقعیت این است. در کشورهای انقلابی، سالگرد انقلاب را گرامی میدارند؛ یک عده‌ای آنجا روی آن ایوان می‌ایستند، یک عده هم می‌آیند جلوبشان رژه میروند؛ این میشود سالگرد انقلاب؛ مردم هم مشغول کار خودشان هستند. در اینجا سالگرد انقلاب به‌وسیله‌ی مردم اساسا بزرگداشت میشود و نگاهداشت میشود، گرامی داشته میشود. مردم هستند که می‌آیند در هوای سرد، مشکلات، یخبندان، باران، برف، همه‌چیز وارد این میدان میشوند و خودشان را نشان میدهند؛ حضور مردمی. این سلسله تمام‌نشدنی است. شاید نیمی از کسانی که امسال در بیست‌ودوم بهمن شرکت میکنند، کسانی هستند که بیست‌ودوم بهمن [۵۷] را اصلا ندیده‌اند و سن آنها اکتضا نمیکند؛ مال بعد از بیست‌ودوم بهمن [۵۷] هستند اما شرکت میکنند. در واقع این بازآفرینی انقلاب است؛ چون انقلاب ما با تیر و تفنگ و این چیزها نبود، حضور تن مردم در خیابانها بود؛ مردم نه فقط با میلشان، نه [فقط] با اراده‌شان، نه [فقط] با احساس و عاطفه‌شان، بلکه با جسمشان در عرصه و در صحنه آمدند. سخت هم بود؛ در مقابلش تیراندازی بود، در مقابلش کشتن بود، در مقابلش خطرهای گوناگون بود؛ این خطرها را تحمل کردند و به خیابان آمدند. استمرار این اراده‌ی مستحکم و پولادین، نظام بی‌پایه و رژیم پوسیده و وابسته‌ی پهلوی را ریشه‌کن کرد؛ یعنی حضور جسمی مردم، همراه با اراده و عزم و محبت و پشتیبانی، در خیابانها و در صحنه؛ [اینها] نشانه‌ی حضور است. این حضور را مردم در این ۲۷ سال حفظ کرده‌اند، امسال هم خواهید دید که به توفیق و فضل الهی حضور مردم در خیابانها حضور چشمگیر و دشمن‌شکنی خواهد بود.

نباید گذاشت این خاطره کهنه بشود؛ نباید گذاشت این حادثه‌ی عظیم به دست غفلت و فراموشی سپرده بشود؛ انقلاب زنده است و ما در نیمه‌راه انقلابیم. عزیزان من! توجه دارید که انقلاب یک حادثه‌ی دفعی نیست؛ انقلاب یک دگرگونی است؛ این دگرگونی بتدریج انجام میگیرد. بله، حرکت انقلابی در اول لازم است، تشکیل نظام انقلابی لازم است اما تا وقتی که این انقلاب بتواند پایه‌های خود را محکم کند و اهداف خود را تحقق ببخشد، تدریج وجود دارد، مرور زمان لازم دارد. اگر چنانچه آن هدفها از یاد رفت، آن حادثه فراموش شد، آنوقت آن‌جوری میشود که در خیلی از کشورهای بظاهر انقلابی دیده شد؛ بعضی انقلابها در نطفه خفه شد - مثل همینهایی که در زمان ما، همین چند سال اخیر، اتفاق افتاد و واقعا در نطفه خفه شد - بعضی هم بعد از به دنیا آمدن جوان‌مرگ شدند. علتش همین بود؛ علتش انحراف بود از هدفهایی که اعلام شده بود. آن هدفها بایستی باقی بمانند؛ هدف عدالت اجتماعی، هدف تحقق زندگی اسلامی به معنای واقعی - که عزت دنیا و آخرت در زندگی اسلامی است - هدف تشکیل یک جامعه‌ی اسلامی که در آن جامعه، هم علم هست، هم عدل هست، هم اخلاق هست، هم عزت هست، هم پیشرفت هست. هدف اینها است؛ ما به این هدفها هنوز نرسیده‌ایم و در نیمه‌راه این هدفها هستیم.

بایستی حادثه‌ی انقلاب و حقیقت انقلاب، دائم در ذهن و دل ما زنده باشد؛ باقی باشد. جبهه‌ی دشمن اتفاقا، روی همین نقطه تکیه دارد. اینکه در خبرهای خارجی می‌بینید که فلان سیاستمدار آمریکایی گفته است که ما نظام جمهوری اسلامی را تغییر رژیم نمیخواهیم بدهیم [بلکه] تغییر رفتار میخواهیم بدهیم - میگویند دیگر؛ شنفته‌اید - تغییر رفتار یعنی همین؛ یعنی تا حالا رفتار نظام جمهوری اسلامی رفتار انقلاب بود، رفتار انقلابی بود، در خدمت انقلاب بود، میخواهیم این را تغییر بدهیم. من به دیپلمات‌های خودمان هم که چند ماه قبل از این، اینجا جمع بودند گفتم (۲) که اینها از اسم جمهوری اسلامی خیلی باکی ندارند؛ حتی از اینکه یک عمامه‌به‌سری در راس جمهوری اسلامی باشد هم [باکی ندارند]؛ اگر چنانچه جمهوری اسلامی محتوای خود را از دست بدهد، اسلامی بودن را و انقلابی بودن را از دست بدهد، اینها با آن کنار می‌آیند. آنچه با آن دشمنی دارند عبارت است از محتوای جمهوری اسلامی؛ جبهه‌ی دشمن این‌جور است. همه‌ی تلاش آنها این است که حرکت جمهوری اسلامی را به سمت هدفهای الهی و اسلامی، هدفهای عزت‌آفرین و قدرت‌آفرین از بین ببرند؛ دنبال این است که سلطه‌ی خود را بر این کشور دوباره تجدید کند.

